

واکاوی نقش گناه و توبه در تأخیر و تعجیل ظهور منجی یهود

رحیم کارگر^۱

جمال فلاح یخدانی^۲

چکیده

یکی از عواملی که در طول تاریخ، انسان‌ها را به ورطه نابودی کشانده، ارتکاب «گناه» است. در کتاب مقدس یهودیان به این سنت الهی اذعان شده که ارتکاب گناه، سبب بی‌بهره شدن از انواع نعمت‌ها، مخصوصاً «نجات» می‌باشد. در آنجا به این حقیقت اذعان می‌شود تا بنی اسرائیل و یهود خدا را پرستش می‌کردند، خدا هم به‌عنوان تنها منجی قوم در کنار آن‌ها بوده است؛ اما وقتی عصیان کردند و توبه نکردند خدا آن‌ها را تنها گذاشت و آن‌ها را به انواع بلاها مبتلا کرد.

این پژوهش کوشیده است با رویکرد توصیفی - تحلیلی و باهدف تبیین یکی از موانع ظهور ماشیح که ارتکاب گناه باشد، این حقیقت را اثبات کند که آن‌گونه که گناه سبب بلا و رنج بنی اسرائیل و یهود شد، توبه نیز می‌تواند این گرفتاری‌ها را از این قوم رفع و مقدمات نجات آنان را فراهم کند و ظهور ماشیح را به جلو بیندازد.

واژگان کلیدی: توبه، گناه، توبه، منجی، نجات، ماشیح، تأخیر، تعجیل.

«نجات» و «ظهور منجی» یکی از دغدغه‌های همیشگی قوم بنی‌اسرائیل و یهود بوده است و این نجات برای قوم بنی‌اسرائیل و یهود حاصل نخواهد شد، مگر در صورتی که آن‌ها در سرزمین اجدادی‌شان - همان سرزمینی که یهوه به ابراهیم و اسحاق و یعقوب علیهم‌السلام وعده داد و توسط موسی و وصی‌اش علیهم‌السلام به آن‌جا رسیدند - مستقر شوند؛ و این استقرار در سرزمین صورت نمی‌گیرد، مگر این‌که «منجی»، آن‌ها را به سرزمین موعود برساند؛ چنانچه موسی علیهم‌السلام آن‌ها را به کمک یوشع^۱ به سرزمین رساند. بنابراین، ترسیم نجات یهود در قالب مثلی تصور می‌شود که یک ضلع آن یهوه، ضلع دیگرش قوم برگزیده (بنی‌اسرائیل) و ضلع سومش سرزمین موعود (ارض فلسطین) است.^۲

رسیدن به نجات و آمدن منجی به اموری بستگی داشت که باید به دست بنی‌اسرائیل و یهود رقم می‌خورد؛ زیرا یهوه با انبیای بنی‌اسرائیل، به‌ویژه حضرت ابراهیم علیهم‌السلام چنین عهد بسته بود تا زمانی که شما من، «یهوه» را پرستش کنید و به خدایان غیر روی نیاورید، این نجات (استقرار در سرزمین موعود) را خواهید داشت؛ اما اگر شما به من، یهوه پشت کنید و به خدایان غیر روی خوش نشان دهید؛ دیگر من در میان شما نخواهم بود و دشمنان را بر شما مسلط و شما را از سرزمینتان اخراج و در کل جهان پراکنده می‌کنم.

این پژوهش درصدد تبیین یکی از سنت‌های الهی در کتاب مقدس است، مبنی بر این‌که گناه سبب محروم شدن بنی‌اسرائیل و یهود از نجاتی است که به سرزمین مقدس گره خورده است. همچنین تبیین این نکته است که زمانی بنی‌اسرائیل و یهودیان می‌توانند با آرامش در سرزمین مقدس باشند و به راحتی زندگی کنند که به خدا شرک نداشته باشند و خدایان غیر را اطاعت نکنند. حال اگر به هر دلیلی بنی‌اسرائیل و یهود از سرزمین خود دور و در روی زمین پراکنده شدند، آیا می‌توانند مقدماتی را فراهم کنند تا این فراق به وصال تبدیل شود. آنچه از آیات کتاب

۱. اولین خادم و جانشین موسی علیهم‌السلام بود که بعد از مرگ موسی علیهم‌السلام بنی‌اسرائیل را به سرزمین موعود رساند (رک: بطرس عبدالملک و همکاران، قاموس الكتاب المقدس، ذیل کلمه یوشع).

۲. آژیر، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت، ص ۱۶۷.

مقدس برمی آید، این است که اگر بنی اسرائیل از گناهان خود دست بکشند و توبه کنند؛ این رویکرد، در رساندن آن‌ها به سرزمین مقدس که همان نجاتشان باشد، تسریع دهد. از این رو شایسته است قبل از این که تأثیر «توبه» بر جلو انداختن ظهور منجی یهود بررسی گردد، تأثیر «گناه» و دوری قوم از یهوه، در به تأخیر افتادن زمان ظهور و تشکیل مدینه فاضله مورد بررسی قرار گیرد.

نقش گناه در سرنوشت یهود

بر اساس آیات کتاب مقدس، توجه ویژه یهوه به قوم بنی اسرائیل، به ویژه نجات آن‌ها، به دلیل برگزیدگی این قوم^۱ بوده و این برگزیدگی و نجات به خاطر همان عهدی است^۲ که با پدران آن‌ها بسته است؛ اما این برگزیدگی همیشگی و دائمی نیست، بلکه به شرایطی منوط است که از آن جمله، عبادت و بندگی یهوه است؛ چنان که می فرماید:

«پس بدان که یهوه، خدای تو؛ اوست خدا؛ خدای امین که عهد و رحمت خود را با آنانی که او را دوست می دارند و اوامر او را به جا می آورند تا هزار پشت نگاه می دارد و آنانی را که او را دشمن دارند، بر روی ایشان مکافات رسانیده؛ ایشان را هلاک می سازد... پس اوامر و فرایض... نگاه دار پس اگر این احکام را بشنوید و آن‌ها را نگاه داشته، به جا آورید؛ آن‌گاه یهوه، خدایت عهد و رحمت را که برای پدران تو قسم خورده است، با تو نگاه خواهد داشت و تو را دوست داشته، برکت خواهد داد.»^۳

بنابراین، نجات و عزت و عظمت قوم بنی اسرائیل و یهود در گرو بندگی یهوه و از جمله وعده‌های یهوه به این قوم در کتاب مقدس است. در عین حال، اگر این قوم نافرمانی کنند و رو به خدایان غیر آورند یهوه هم طبق هشدار که به آن‌ها داده است، آن‌ها را هلاک می کند؛ اما بنی اسرائیل بعد از ارتکاب گناه و روی آوردن به خدایان غیر، در صورتی می توانند از هلاکت نجات یابند که توبه کند و به سوی یهوه بازگردند. از این رو یهوه در کتاب مقدس می فرماید:

۱. تثنیه، ۷: ۱-۶.

۲. همان، ۷-۸.

۳. همان، ۹-۲۶.

«... پس توبه کنید و از همه تقصیرهای خود بازگشت نمایید تا گناه موجب هلاکت شما نشود.»^۱ اگرچه ربی‌ها،^۲ به دلیل برگزیدگی قوم بنی اسرائیل و توجه خاص یهوه به آن‌ها معتقدند که اگر قوم بنی اسرائیل و یهود توبه هم نکنند، دست آخر یهوه آن‌ها را نجات خواهد داد؛ اما در هر صورت دست‌یابی سریع به این نجات به عملکرد قوم بنی اسرائیل و یهود بستگی دارد؛ زیرا اگر قوم یهود از گناه و نافرمانی یهوه دست بردارند و با او آشتی کنند، یهوه این ظهور را نزدیک می‌اندازد و در صورتی که به نافرمانی خود ادامه دهند، ظهور مسیحا به تأخیر می‌افتد. نظریه حاکم در تلمود همین است که گناهان، آمدن مسیحا را به تأخیر می‌اندازد؛ اما آن را برای همیشه منتفی نمی‌کند.^۳

گناه و دوری از یهوه نه تنها ظهور ماشیح را که سبب نجات بنی اسرائیل می‌شود، به تأخیر می‌اندازد، بلکه موجب نزول عذاب و گرفتاری‌های فراوان برای قوم بنی اسرائیل هم شده است. در ادامه به بررسی بعضی از عواقب پرداخته می‌شود که گریبان‌گیر بنی اسرائیل به جهت نافرمانی یهوه شده است:

۱. خروج از سرزمین مقدس

در کتاب مقدس، خداوند با ابراهیم علیه السلام عهد بست سرزمینی را که به «سرزمین شیر و عسل» معروف است، به ابراهیم علیه السلام و فرزندانش بدهد. بنی اسرائیل در این سرزمین سکونت داشتند تا زمانی که قحطی در آن سرزمین فراگیر شد و بنی اسرائیل همراه یعقوب علیه السلام سرزمین مقدس را ترک کردند و در سرزمین مصر سکنا گزیدند. این دوری از وطن و سکونت در سرزمین مصر ادامه داشت تا زمانی که حکومت مصر در دست فرعونیان کافر و ظالم افتاد و قوم بنی اسرائیل در حکومت مصریان در رنج و تعب بودند. از این رو از خدا طلب نجات کردند و خداوند موسی علیه السلام را برای

۱. حزقیال ۱۸: ۳۰.

۲. یا خاخام، این واژه که به معنای «استاد من» است؛ در اصل لقب دانشمند منسوب فلسطینی در اوایل دوران ربیایی یا خاخامی بود و در دوره‌های بعدی یهودیت، اصطلاح عام برای مرجعیت هلاخایی یا معلم تورات شفاهی شد (رک: هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ص ۳۳۱-۳۳۲).

۳. آزیز، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت، ص ۱۹۲.

نجات این قوم فرستاد و موسی علیه السلام و وصی اش، یوشع این قوم را به سرزمین آبا و اجدادی شان رساندند و آنها در این سرزمین سکنا گزیدند؛ اما خداوند سکونت و حضور در این سرزمین را به سربه راهی قوم اسرائیل و اطاعت از خداوند و منوط کرد؛ بدین معنا تا زمانی که قوم بنی اسرائیل در این سرزمین خدای یگانه (یهوه) را بندگی کنند، هیچ کس نمی تواند آن ها را از سرزمین مقدس بیرون کند؛ چون با بندگی یهوه، خدا در میان قوم حضور دارد و خدا قومش را یاری خواهد کرد؛ اما بنی اسرائیل بعد از مدتی از عهد خویش برگشته و به جای پرستش خدای یگانه، به پرستش خدایان و بت های اقوام هم جوار روی آوردند و چون به ارتکاب گناه دست بازیدند، هشدار و تهدید انبیای دوره پیش از تبعید بابلی در مورد آنان محقق شد و همان خدایی که آنان را از مصر نجات داد و سرزمین مقدس را به آن ها بخشید، آنان را تنبیه و دشمنان بنی اسرائیل را بر آن ها مسلط کرد و سرزمین مقدس را از آنان گرفت و آن ها را در دیگر سرزمین ها پراکنده کرد.^۱

موسی علیه السلام وقتی در حوریب^۲ ده فرمان^۳ را از یهوه گرفت، تمام بنی اسرائیل را جمع کرد و خطاب به آن ها فرمود: خدا در حوریب عهدی با شما بست و آن عهد را به من سپرد که واسطه بین شما و او هستم. خدا در آن جا به من فرمود:

«و اما تو در این جا پیش من بایست تا جمیع اوامر و فرایض و احکامی را که می باید به ایشان تعلیم دهی، به تو بگویم و آن ها را در زمینی که من به ایشان می دهم تا در آن تصرف نمایند... پس ای اسرائیل! بشنو و به عمل نمودن آن متوجه باش تا برای تو نیکو باشد و بسیار افزوده شوی در زمینی که به شیر و شهد جاری است؛ چنان که یهوه، خدای پدرانت تو را وعده داده است... آن گاه با حذر باش، مبادا خداوند را که تو را از

۱. همان، منجی باوری در کیش زرتشتی وادیان ابراهیمی، ص ۱۱۹-۱۲۰.

۲. کوهی است در شبه جزیره طور سینا که خداوند از بالای آن، شریعت خود را به قوم اسرائیل عطا فرمود (رک: مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ذیل کلمه سینا، ص ۴۹۸).

۳. هنگامی که سه ماه از خروج بنی اسرائیل از مصر گذشته بود، حضرت موسی علیه السلام مأموریت یافت برای گفت و گو با خدا به بالای کوه سینا برود. وی در آن جا دو لوح دریافت کرد که ده فرمان و دستور خدا بر آن نقش بسته بود و آن فرمان ها عبارتند از: ۱. برای خود خدایی جز من نگیرید؛ ۲. به بت سجده نکنید؛ ۳. نام خدا را به باطل نبرید؛ ۴. شنبه را گرمی بدارید؛ ۵. پدر و مادر را احترام کنید؛ ۶. مرتکب قتل نشوید؛ ۷. زنا نکنید؛ ۸. دزدی نکنید؛ ۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید؛ ۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید (توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۸).

زمین مصر، از خانه بندگی بیرون آوزد، فراموش کنی! از یهوه خدای خود بترس و او را عبادت نما و به نام او قسم بخور!»^۱

بنابراین، نجات و سعادت قوم بنی اسرائیل که در سرزمین مقدس مستقر شده، در گرو عبادت و اطاعت کردن از خدای یگانه، یهوه است و اگر قوم به نافرمانی و اطاعت از خدایان غیر تن دهند، مقدمات اخراج خود را از سرزمین مقدس فراهم کرده‌اند:

«آن سرزمین به خاطر کارهای زشت آن‌ها آلوده شد. بنابراین، می‌خواهم همه ساکنان آن‌جا را به سزای کارهایشان برسانم و آن‌ها را از آن‌جا بیرون اندازم.... و شما هم اگر به آن‌گونه کارها دست بزنید و آن سرزمین را آلوده کنید، مثل آن مردم از آن‌جا بیرون انداخته می‌شوید....»^۲

یهوه نه تنها قبل از رسیدن قوم بنی اسرائیل به سرزمین مقدس - در منطقه حوریب - این هشدار را به موسی عليه السلام می‌دهد، بلکه در زمان سلیمان که قوم بنی اسرائیل در اوج عزت و بزرگی قرار داشتند، به سلیمان که برای مجد و عظمت بنی اسرائیل دعا می‌کرد، در عالم خواب بر او ظاهر شد و به ایشان فرمود: دعاهایت مستجاب است، مادامی که بنی اسرائیل مرا خدای خود بدانند و از من اطاعت کنند:

«و قوم من که به اسم من نامیده شده‌اند، متواضع شوند و دعا کرده، طالب حضور من باشند و از راه‌های بد خویش بازگشت نمایند. آن‌گاه من از آسمان اجابت خواهم فرمود و گناهان ایشان را خواهم آمرزید و زمین ایشان را شفا خواهم داد... لیکن اگر شما برگردید و فرایض و احکام مرا که پیش روی شما نهاده‌ام، ترک نمایید و رفته، خدایان غیر را عبادت کنید و آن‌ها را سجده نمایید، آن‌گاه ایشان را از زمینی که به ایشان داده‌ام، خواهم کند و این خانه را که برای اسم خود تقدیس نموده‌ام، از حضور خود خواهم افکند و آن را در میان جمیع قوم‌ها ضرب‌المثل و مسخره خواهم ساخت.»^۳

بنابراین، یک وجه مشترک در میان متون مقدس یهودی از ابتدا تا دوره انبیای پس از تبعید

۱. تثنیه: ۵: ۲۸-۶: ۲۵.

۲. لاویان: ۱۸: ۲۴-۳۰.

۳. دوم تواریخ: ۷: ۱۴-۲۰.

بابلی^۱ وجود دارد و آن این است که نجات قوم اسرائیل به سکونت در سرزمین مقدس و ارض موعود حاصل می‌گردد و عذاب و خشم خداوند بر آن‌ها - که ثمره عصیان و اطاعت از خدایان غیر است - به اخراج قوم از آن سرزمین است.^۲

پس با توجه به این که اساس و بن‌مایه بنی اسرائیل و یهود بر اساس شریعت بسته شده است، مادامی که بنی اسرائیل و یهود به این عهد شریعت پایبند باشند؛ خدا هم در کنار آن‌ها خواهد بود و نجاتی که درگرو رسیدن و سکونت در سرزمین مقدس است، نصیبشان می‌شود و در صورتی که از شریعت فاصله بگیرند، نه تنها خدا از آن‌ها دور شده و آنان را از سرزمین مقدس خارج می‌کند، بلکه آن‌ها را به انواع بلاها و گرفتاری‌ها مبتلا می‌سازد.

۲. ویرانی سرزمین مقدس

گناه نه تنها موجب اخراج بنی اسرائیل از سرزمین مقدس شده، بلکه موجب بی‌برکتی و نابودی آن سرزمین را نیز رقم می‌زند؛ زیرا ویرانی اورشلیم^۳ که در گفتار پیامبرانی چون ارمیا^۴ و حزقیال^۵، به طور غم‌انگیزی به آن اشاره شده است، نتیجه سرکشی و عصیان قوم اسرائیل و بی‌قیدی و عدم اطاعت از یهوه و دور شدن از آیین موسی عليه السلام بوده است.^۶

۱. در قرن شش ق.م، سرزمین یهودا توسط بخت نصر، امپراتوری بابل تصرف و ویران شد و ساکنان آن جا به بابل کنار رود خابور منتقل شدند (رک: هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ص ۱۸۲ و جان بایرناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۵۲۷-۵۲۸).

۲. آژیر، منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، ص ۱۲۲-۱۲۳.

۳. شهری در بلندی‌های منطقه یهودا و پایتخت دولت اسرائیل. اورشلیم پس از آن که حضرت داوود (قرن ۱۱/۱۰ ق.م) آن را از دست یبوسی‌ها (طایفه‌ای از کنعانیان) گرفت و پسرش، سلیمان معبد اول را در آن ساخت، به مرکز دین بنی اسرائیل تبدیل شد (رک: هینلز، فرهنگ ادیان جهان، ص ۱۸۲).

۴. یکی از کاهنان شهر عناتوت (واقع در سرزمین بنیامین) منطقه یهودا بود (کتاب مقدس ترجمه تفسیری، ص ۶۹۶).

۵. از پیامبران حکومت جنوبی (یهودا) وهم عصر ارمیای نبی بود که همراه اسارت قوم بنی اسرائیل به بابل برده شد (رک: بطرس عبدالملک و همکاران، قاموس الكتاب المقدس، ص ۲۱۰).

۶. حمیدی، تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، ص ۱۱۳.

دانیال نبی^۱ در کتاب خود به این خرابی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«من، دانیال، وقتی کتاب ارمیای نبی را می‌خواندم، فهمیدم که طبق کلامی که خداوند به ارمیای نبی گفته بود، اورشلیم می‌بایست مدت هفتاد سال ویران باقی بماند»^۲.

دانیال نبی چون از عهد یهوه با بنی اسرائیل خبر دارد، مطمئن است که خداوند، بنی اسرائیل را عذاب می‌کند؛ زیرا او می‌داند که قوم بنی اسرائیل عصیان کرده و به خدایان غیر روی آورده؛ پس باید چنین عذابی که خرابی اورشلیم است، بر سر آن‌ها می‌آمد.

اشعیای نبی^۳ هم که پراکندگی و اسارت قوم یهود و بعد از آن بازگشت بازماندگان را پیشگویی می‌کند، در این مورد می‌گوید:

«آری، اورشلیم محکوم به ویرانی است و یهودا در حال فروریختن است. هرچه آن‌ها می‌گویند و هرچه می‌کنند، به ضد خداوند است. آن‌ها آشکارا به خود خدا توهین می‌کنند»^۴.

اشعیای نبی می‌داند قوم بنی اسرائیل مرتکب معصیت شده؛ پس باید به اسارت بروند و حقارت بکشند؛ اما از طرفی بنی اسرائیل قوم برگزیده یهوه است و یهوه وعده داده که او را عزت و عظمت بخشد. بنابراین، دیدگاه بازماندگان را چنین مطرح می‌کند:

«از آشور شاهراهی برای عبور بازماندگان قوم اسرائیل باز خواهد شد؛ همان طور که برای

۱. دانیال پسر جوانی بود که وقتی بخت نصر (نبوکدنصر) به کشور یهودا حمله کرد، او را به بردگی گرفت؛ اما چون از عهده خوابی که پادشاه دیده بود، برمی‌آید در حکومت بابل به مقام والایی رسید. کتاب او دارای دوازده فصل است که شش فصل اول کتاب به زندگی دانیال و خواب‌هایی که او تعبیر می‌کند، مربوط است و شش فصل دوم کتاب به خواب‌ها و رؤیاهای دانیال اختصاص دارد (رک: بطرس عبدالملک و همکاران، قاموس الكتاب المقدس، ذیل کلمه دانیال، حبیب سعید، بی‌تا، ص ۱۶۵).

۲. دانیال ۹: ۲.

۳. از پیامبران حکومت جنوبی (یهودا) وهم عصر میکاه و هوشع بود. اشعیا و میکاه در حکومت جنوبی (یهودا) نبوت می‌کردند؛ درحالی‌که هوشع در حکومت شمالی نبوت می‌کرد (رک: بطرس عبدالملک و همکاران، قاموس الكتاب المقدس، ص ۶۷۱).

۴. اشعیا ۳: ۸.

اجدادشان وقتی از مصر بیرون آمدند، چنین راهی باز شد.^۱

نظریه بازماندگان بدین معنا نبود که تمام کسانی که به بلا و ویرانی و خروج از سرزمین مقدس مبتلا شدند، تمام آن‌ها برگردند؛ بلکه بدان معناست که بسیاری از بنی اسرائیل در خرابی‌های سرزمین مقدس نابود می‌شوند و تعداد کمی از آن‌ها بعد از آن که توبه کردند، نجات می‌یابند و به سرزمین مقدس برمی‌گردند؛ کما این که در کتاب اشعیا چنین آمده است:

«روزی خواهد آمد که بازماندگان قوم اسرائیل دیگر به ملتی که آن‌ها را تقریباً از بین برده است، توکل نکنند. آن‌ها فقط به خداوند - خدای قدوس اسرائیل - متکی خواهند بود. تعداد کمی از قوم اسرائیل به سوی خدای متعال خود برمی‌گردند. گرچه قوم اسرائیل الآن به اندازه دانه‌های شن کنار دریاست؛ تعداد کمی بر خواهند گشت. مرگ و نابودی در انتظار قوم است و آن‌ها سزاوار آن بودند. آری، خداوند، خدای متعال، همان طور که گفته بود، ویرانی و خرابی را بر سرتاسر این مملکت خواهد آورد.»^۲

آنچه مسلم است، این که بازگشت بنی اسرائیل بعد از تبعید و خرابی سرزمینشان به سرزمین آبا و اجدادی‌شان، به مثابه نجات است؛ اما این بار از نوع مسیحایی‌اش مطرح می‌گردد.^۳

ارمیای نبی هم که در دوران ویرانی معبد و اورشلیم به دست بخت نصر به سر می‌برد؛ وقتی عذاب و گرفتاری‌های قوم بنی اسرائیل را مشاهده می‌کند، به درگاه خداوند استغاثه می‌کند و در استغاثه‌اش برای قوم خود به ویرانی اورشلیم که نتیجه گناهان است؛ اشاره می‌کند:

«وای بر ما که گناه کردیم و تاج جلال و افتخار را از دست دادیم. دل‌های ما بی‌تاب و چشمان ما تار گشته‌اند؛ زیرا کوه صهیون، ویران و محل گشت‌وگذار شغالان شده است.»^۴

در جای دیگر، ارمیا وقتی از علت ویرانی اورشلیم از خدا می‌پرسد؛ خدا در جواب ارمیا به طور صریح به معصیت قوم اشاره می‌کند:

۱. اشعیا ۱۱: ۱۶.

۲. اشعیا ۱۰: ۲۰-۲۳.

۳. آژییر، گونه شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت، ص ۱۷۰.

۴. مراثی ارمیا ۵: ۱۶-۱۸.

«خداوند می‌گوید: من اورشلیم را به ویرانه‌ای، برای لانه شغلان تبدیل خواهم کرد... من گفتم: ای خداوند! چرا این سرزمین مثل بیابان چنین ویران و خشک شده که کسی نمی‌تواند از آن عبور کند؟... خداوند در پاسخ گفت: تمام این به خاطر آن است که قوم من از تعالیم من پیروی نکرده است. آن‌ها از من و از آنچه به آن‌ها تعلیم دادم، سرپیچی کرده‌اند.»^۱

در جای دیگر، ارمیای نبی از سخن گفتن خداوند در مورد یهودیان مصر و علت اسارت و بازگشت آنان به مصر (سرزمین اغیار) اشاره می‌کند:

«خداوند متعال، خدای اسرائیل، گفت: شما خودتان شاهد ویرانی‌ای بودید که بر اورشلیم و سایر شهرهای یهودا وارد کردم... آن‌ها برای خدایان دیگر قربانی می‌گذراندند و در خدمت خدایانی درآمدند که نه شما آن‌ها را پرستش کرده‌اید و نه نیاکان شما آن‌ها را پرستش کرده‌اند. من مرتب بندگان خودم، یعنی انبیا را فرستادم تا به شما بگویند از انجام دادن این کار وحشتناکی که من از آن تنفر دارم، خودداری کنید. اما شما گوش نمی‌دادید و توجه نمی‌کردید. شما از قربانی‌های پلید خود برای خدایان بیگانه دست برنداشتید. پس من خشم و غضب خود را بر شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم فروریختم و آن‌ها را به آتش کشیدم. آن‌ها به ویرانه‌هایی تبدیل شدند که حتی امروز انسان از دیدن آن وحشت می‌کند.»^۲

تلمود^۳ نیز از خرابی اورشلیم به خاطر ارتکاب گناهان قوم بنی اسرائیل از زبان یهوه می‌گوید: «فرزندان اسرائیل به حضور ذات قدوس متبارک چنین عرض کردند: ای پروردگار عالم! مگر نه این که اورشلیم قبلاً آباد بود و سپس ویران گشت؟ خداوند تعالی فرمود: به خاطر گناهان شما بود که اورشلیم خراب شد و از آن پراکنده گشتید و به غربت رفتید.»^۴

شکی نیست خدایی که عصیان و گناه را عامل خرابی و ویرانی شهرها، به ویژه سرزمین مقدس

۱. ارمیا ۹: ۱۱-۱۳.

۲. ارمیا ۴۴: ۲-۶.

۳. دومین کتاب مهم دینی و مقدس یهودیان پس از عهد قدیم و مشتمل بر دو بخش اصلی و عمده است: میشناه و گمارا (رک: هوشنگی، درباره یهود (بنی اسرائیل، تورات و تلمود)، ص ۵۳-۶۲.

۴. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۶.

خودش قرار می‌دهد؛ عبادت و اطاعت از خود را مایه نجات و آبادانی و سربلندی مردمان سرزمینش رقم می‌زند.

۳. تأخیر ظهور ماشیح

همان‌طور که بیان شد، خداوند طبق وعده‌ای که به پیامبران بنی اسرائیل داده بود، در نهایت بنی اسرائیل را نجات داد، و همراه منجی وارد سرزمین مقدس کرد؛ اما نکته قابل ذکر این که خداوندی که به خاطر ارتکاب گناه از سوی قوم، آن‌ها را به یوغ عذاب کشید و سرزمین رؤیایی آن‌ها را ویران کرد، در چه زمان منجی (ماشیح) را فرستاد تا قوم را نجات دهد و آن‌ها را وارد سرزمین مقدس کند و آن‌جا را به دست منجی آباد و پربرکت سازد. اشعیای نبی در این زمینه می‌گوید:

«فکر نکنید که خداوند آن قدر ضعیف است که نمی‌تواند شما را نجات دهد؛ یا آن قدر کَر است که فریاد شما را برای کمک نمی‌شنود؛ بلکه به خاطر گناهان شماست که او حرف شما را نمی‌شنود. این گناهان شماست که بین شما و خدا - حتی وقتی که می‌خواهید او را پرستش کنید - جدایی ایجاد کرده است.»^۱

اشعیای نبی گناه را مانع نجات زود هنگام قوم می‌داند و می‌فرماید گناه موجب شده که خداوند فریاد شما را نشنود و به شما کمک نکند. بنابراین، تا زمانی که قوم، به عبودیت خدای یگانه برنگردند، از نجات زود به هنگام خبری نیست.

سعدیا گائون^۲ نیز درباره علت آزمون سخت و طولانی بنی اسرائیل بر این باور است که آن امتحان یا به دلیل گناه قوم یا آزمایش برای استحکام ایمان بنی اسرائیل است و معتقد است که هر چه سختی آزمون‌ها بیشتر شود، ظهور مسیحا نزدیک‌تر خواهد بود. او به توبه حقیقی بنی اسرائیل برای ظهور مسیحا معتقد بود. ایشان دوره پیش از ظهور مسیحا را به دو دوره تقسیم می‌کند: دوره‌ای که با توبه واقعی قوم بنی اسرائیل همراه است و نجات در آن ممکن می‌شود و

۱. اشعیا ۵۹: ۱-۲.

۲. نخستین فیلسوف یهودی است که درصدد استحکام آموزه‌ها و باورهای یهودیت به صورت نظام‌مند برآمد (آنترمن، باورها و آیین‌های یهودی، ص ۹۴-۹۶).

دوره دیگری که از آن به نام «نهایت موعود» تعبیر می‌کند؛ یعنی اگر بنی اسرائیل توبه کامل نیز نکنند، بر اساس پیشگویی‌های کتاب دانیال این دوره در آخرالزمان محقق می‌شود.^۱

نقش توبه در فرایند ظهور

همان‌طور که گناه و دوری از شریعت، عامل اصلی و اساسی در اخراج بنی اسرائیل از سرزمین مقدس و موجبات نابودی آن‌ها و سرزمینشان را فراهم ساخت؛ توبه و بازگشت به خدا در این زمینه نقش جبران‌کننده‌ای اجرا کرد و آنچه به واسطه گناه نابود شده و ازدست‌رفته بود، توبه توانست بر بازگرداندن آن‌ها یا حداقل بر سرعت بازگشت آن‌ها مؤثر باشد. از این رو بنی اسرائیل و یهود دریافتند که اگر اولین قدم برای نجات خود را که توبه و بازگشت به شریعت موسی ﷺ است، بردارند؛ قدم دوم که نجات و نزول ماشیح باشد، توسط خدا برداشته می‌شود. به همین منظور در کتاب مقدس در کنار رسالتی که برای انبیای بنی اسرائیل ذکر شد، نوعاً به دو نقش انبیا اشاره و تأکید شده است: یکی انذار نسبت به معصیت خدا و آلوده شدن قوم و دیگری دعوت به توبه و بازگشت به سوی خدا.

۱. دعوت به توبه

انبیای بنی اسرائیل همواره قوم خود را به توبه و بازگشت به خدا (بیهوه) دعوت می‌کردند و از آن‌ها می‌خواستند که خدایان غیر را رها کرده و خدای خود را پرستش کنند تا خدا هم آن‌ها را به یاد آورد و آنان را نجات دهد؛ چنان‌که در بخش‌هایی از کتاب مقدس خدا به پیامبرانش می‌فرماید مردم را به توبه و بازگشت به من دعوت کنید تا نجات یابند.

«خداوند به زکریا فرمود: از طرف من به مردم بگو که من از نیاکان شما بسیار خشمگین بودم؛ اما اکنون اگر به سوی من بازگردید، من نیز به سوی شما باز می‌گردم. مانند اجداد خود نباشید که انبیای پیشین، پیام مرا به آن‌ها دادند تا از راهی که در پیش گرفته بودند، بازگردند و از کارهای زشت خود دست بکشند؛ ولی به حرف آن‌ها گوش ندادند و از من اطاعت نکردند. اجداد شما و انبیای پیشین دیگر زنده نیستند؛ اما کلام و احکام

۱. گرینستون، انتظار مسیحا در آیین یهود، ص ۸۷ و طاهری آکردی، یهودیت، ص ۲۲۳.

من ابدی و جاودانی است. احکام و دستورهای خود را توسط بندگانم، یعنی انبیا، به نیاکان شما دادم؛ ولی آن‌ها توجهی نکردند؛ در نتیجه متحمل عذاب شدند. سرانجام آن‌ها توبه کردند و گفتند: خداوند متعال ما را به سزای کارهای ما رسانید و هشدارهایی را که به ما داده بود، عملی کرد.»^۱

آنچه از کلام و توصیه خدا به زکریای نبی استفاده می‌شود، این است که چون اجداد شما دعوت انبیا را مبنی بر توبه و بازگشت به خدا نپذیرفتند و به عصیان خود ادامه دادند، من (خدا) آن‌ها را عذاب کرده و گرفتار ساختم؛ و این، بدان معنا است که خدا به صرف ارتکاب گناه از سوی افراد، آنان را به بلا مبتلا نمی‌کند و آنچه موجب عذاب و گرفتاری آن‌ها می‌شود، استمرار در گناه و عدم توبه است.

قبل از زکریا، هوشع نبی که در پادشاهی شمالی اسرائیل نبوت می‌کرد، بنی اسرائیل را به توبه دعوت کرد:

«ای اسرائیل! به سوی یهوه، خدای خود بازگشت نما؛ زیرا به سبب گناه خود لغزیده‌ای. با خود سخنان گرفته، به سوی خداوند بازگشت نمایند و او را گویند: تمامی گناه را عفو فرما و ما را به لطف مقبول فرما!»^۲

از این رو خدا به واسطه پیامبران این خبر را به قوم بنی اسرائیل می‌دهد که رسیدن به نجات در گرو بازگشت به خدا و پرستش اوست.

در تلمود- که منبع شریعت و الاهیات یهودی به شمار می‌رود- یکی از وظایف الیاس را که مقدمه‌ساز ظهور ماشیح است، دعوت بنی اسرائیل به توبه معرفی و بیان می‌کند که وقتی این جهان به خدا روی آورد، صدای شیپور میکائیل رئیس فرشتگان می‌آید که آمدن مسیحا را اعلام می‌کند.^۳

۱. زکریا ۱: ۶-۱.

۲. هوشع ۱۴: ۱-۲.

۳. طاهری آکردی، ماشیح و دولت ماشیحایی موعود در یهودیت، ص ۱۲۵-۱۲۷.

۲. نقش توبه در بازگشت به سرزمین و آبادانی آن

بر اساس آنچه از عهد عتیق به دست می‌آید، خدا به واسطه ارتکاب گناه توسط قوم بنی‌اسرائیل، آنان را از سرزمین مقدس بیرون کرد و دشمنان را بر آن‌ها مسلط و در جهان پراکنده ساخت؛ اما این عذاب همیشگی نیست، بلکه بارها توسط انبیای بنی‌اسرائیل به قوم مذکور، تذکر داده که اگر توبه و بازگشت کنید و خدایان غیر را ترک کنید و دست از نافرمانی بردارید، خداوند شما را به سرزمین مقدس برخواهد گرداند و آن‌جا را برای شما آباد خواهد کرد؛ چنان‌که در کلمات موسی علیه السلام نسبت به قومش به این وعده الهی اشاره شده است:

«اگر شما و فرزندان‌تان به سوی خداوند بازگردید و از فرمان‌های خداوند با دل‌وجان پیروی کنید؛ آن‌وقت خداوند، خدایتان، شما را از اسارت آزاد می‌سازد و بر شما رحم می‌کند و شما را که در بین اقوام بیگانه، پراکنده کرده است؛ دوباره جمع و کامیاب می‌کند؛ حتی اگر شما در دورترین نقاط جهان پراکنده باشید، خداوند، خدایتان شما را گرد هم خواهد آورد و بازخواهد گرداند. او شما را بار دیگر به سرزمینی که به اجدادتان تعلق داشت، می‌آورد تا آن را تصاحب کنید. شما را بیش‌تر از اجدادتان کامران می‌سازد و به تعداد شما می‌افزاید. خداوند، خدایتان به شما و فرزندان‌تان دل‌های پاک و فرمان‌بردار عطا می‌کند تا خداوند، خدایتان را از دل‌وجان دوست بدارید و در آن سرزمین همیشه زندگی کنید. او همه این لعنت‌ها را علیه دشمنان شما متوجه خواهد کرد؛ کسانی که از شما متنفر بودند و به شما ظلم کردند. شما دوباره مطیع خداوند می‌شوید و از احکامی که امروز به شما می‌دهم، پیروی می‌کنید. خداوند شما را در همه کارهایتان کامیاب خواهد کرد؛ فرزندان زیاد به شما عطا می‌کند و گله و رمه و محصولات زمین‌تان را فراوان می‌سازد. او از کامیاب نمودن شما به همان اندازه‌ای خوشحال می‌شود که از کامیاب نمودن نیاکانتان خوشحال بود؛ ولی شما باید از او پیروی کنید و تمام فرمان‌هایی را که در کتاب آموزشی او نوشته شده است، به‌جا آورید. شما باید با تمام دل‌وجان به سوی او بازگردید.»^۱

حضرت سلیمان علیه السلام نیز مانند دیگران انبیا توبه واقعی را موجب نجات بنی‌اسرائیل از آوارگی و سکونت در سرزمین مقدس بیان می‌کند و در دعایش برای نجات این قوم، خداوند را این‌گونه

۱. تثنیه، ۳۰:۲-۱۰.

می خواند:

«و هنگامی که قوم تو اسرائیل... به سوی تو بازگشت نموده، اسم تو را اعتراف نمایند و نزد تو در این خانه دعا و تضرع نمایند، آن گاه از آسمان بشنو و گناه قوم خود، اسرائیل را بیامرز و ایشان را به زمینی که به پدران ایشان داده‌ای، بازآور...»^۱

خداوند در جواب سلیمان علیه السلام می فرماید: اگر قوم تو از کرده خود پشیمان شوند و به سوی من بازگردند، آن‌ها را خواهیم آمرزید و سرزمینشان را آباد خواهیم کرد:

«... اگر قوم من... نزد من دعا کنند و توبه نمایند و از راه‌های پلید خود بازگردند؛ آن گاه من از آسمان‌ها خواهم شنید و گناهان ایشان را خواهم بخشید و کامیابی به سرزمین آن‌ها خواهم داد.»^۲

در این آیات، اگرچه از بازگشت به سرزمین سخن به میان نیامده است؛ از اتمام حجت خدا با سلیمان علیه السلام در آیات بعدی که می فرماید: «... اگر شما برگردید و فرایض و احکام مرا که پیش روی شما نهاده‌ام ترک نمایید و رفته، خدایان غیر را عبادت کنید و آن‌ها را سجده نمایید؛ آنگاه ایشان را از زمینی که به ایشان داده‌ام، خواهم کند...»^۳؛ معلوم می شود سخن از سنت غیر قابل تغییر الهی است؛ مبنی بر این که گناه موجب اخراج از سرزمین و بازگشت به خدا موجب بازگشت به سرزمین می شود.

ارمیای نبی نیز از کوتاهی بنی اسرائیل در زمینه عدم توبه و پیروی نکردن از پیامبران گله می کند و می فرماید: خداوند تمام انبیا را برای دعوت شما به توبه و نجات فرستاد؛ اما شما به برنامه‌های آن‌ها گوش ندادید. بنابراین، هنوز در جهان آواره و گرفتار هستید؛ درحالی که اگر به اوامر پیامبران بنی اسرائیل گوش می دادید، نجات می یافتید. ارمیا در این کلمات از یک سنت جاری و ثابت خداوند سخن می گوید و آن این است که تا توبه نکنید به سرزمین مقدس وارد نمی شوید:

«و خداوند جمیع بندگان خود، انبیا را نزد شما فرستاد و صبح زود برخاسته، ایشان را

۱. اول پادشاهان ۸: ۳۳-۳۶ و دوم تواریخ ۶: ۲۴-۲۷.

۲. دوم تواریخ ۷: ۱۴.

۳. دوم تواریخ ۷: ۱۹-۲۰.

ارسال نمود؛ اما نشنیدید و گوش خود را فرانگرفتید تا استماع نمایید؛ و گفتند شما از راه بد خود و اعمال شریر خویش بازگشت نمایید و در زمینی که خداوند به شما و به پدران شما از ازل تا به ابد بخشیده است، ساکن باشید.»^۱

نحمیا^۲ که از تبعیدشدگان به شمار می‌آید و در زمان خرابی اورشلیم زندگی می‌کرده در دعای خود به درگاه خداوند از یک سنت قطعی نزد خدا سخن می‌گوید و آن بازگشت قوم است به سرزمین مقدس در صورتی که توبه کنند. از این رو در دعا و مناجات خود از زبان خدا می‌فرماید: اما چون به سوی من بازگشت کنید و اوامر مرا نگاه داشته، به آن‌ها عمل نمایید. اگرچه پراکندگان شما در اقصای آسمان‌ها باشند، من ایشان را از آن‌جا جمع خواهم کرد و به مکانی که آن را برگزیده‌ام تا نام خود را در آن ساکن سازم، درخواهم آورد.^۳

در این عبارات، خداوند تنها دعای بنی اسرائیل را برای نجات کافی نمی‌داند؛ زیرا در جواب سلیمان عليه السلام و نحمیا می‌گوید: نجات آن‌ها در صورتی محقق می‌شود که از راه‌رفته خود برگردند و اوامر مرا رعایت کنند. بنابراین، بنی اسرائیل اگر طالب نجات زود هنگام هستند، چاره‌ای ندارند جز توبه و عمل به شریعت الهی.

۳. نقش توبه در تعجیل ظهور منجی در یهود

کتاب مقدس، از یک سنت و عهدی دیرینه نسبت به قوم بنی اسرائیل سخن می‌گوید و آن، این که قوم بنی اسرائیل مادام که در عبادت خدا به سر برند، در نجات خواهند بود و باین حال، برزندگی و استقرار در سرزمین مقدس برای آن‌هاست و زمانی که نافرمانی کنند، خداوند آن‌ها را خوار و ذلیل می‌کند و آنان را از سرزمین مقدس بیرون می‌راند و زمانی می‌توانند به گذشته زیبای خود برگردند که توبه کنند؛ مانند زمانی که قوم بنی اسرائیل زیر یوغ مصریان قرار گرفتند و در درگاه خدا گریه و زاری کردند و از کرده خود پشیمان شدند و توبه کردند؛ خدا هم شخصی به نام موسی عليه السلام را برای نجات آن‌ها فرستاد:

۱. ارمیا ۲۵: ۱-۵.

۲. حاکم سیاسی گمارده شده از سوی پادشاه ایران بود (رک مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۶).

۳. نحمیا ۱: ۹-۱۰.

«و من نیز چون ناله بنی اسرائیل را که مصریان ایشان را مملوک خود ساخته‌اند، شنیدم؛ عهد خود را به یاد آوردم. بنابراین، بنی اسرائیل را بگو، من بیهوه هستم و شما را از زیر مشقت‌های مصریان بیرون خواهم آورد و شما را از بندگی ایشان رهایی دهم و شما را به بازوی بلند و به داوری‌های عظیم نجات دهم و شما را خواهم گرفت تا برای من قوم شوید و شما را خدا خواهم بود و خواهید دانست که من بیهوه هستم؛ خدای شما که شما را از مشقت‌های مصریان بیرون آوردم؛ و شما را خواهم رسانید به زمینی که درباره آن قسم خوردم که آن را به ابراهیم و اسحاق و یعقوب بخشم. پس آن را به ارثیت شما خواهم داد. من بیهوه هستم»^۱.

در کتاب مقدس، نجات قوم بنی اسرائیل به توبه گره خورده است؛ به طوری که سموئیل نبی^۲ و اشعیای نبی نجات را به بازگشت قوم منوط می‌دانند:

«آن‌گاه سموئیل به قوم اسرائیل گفت: اگر واقعاً می‌خواهید از صمیم دل به سوی خدا برگردید، پس خدایان بیگانه و بت‌عشتاروت را ترک کنید. تصمیم بگیرید که فقط از خداوند پیروی نمایید و فقط بنده او باشید. آن‌گاه او شما را از دست فلسطینیان نجات می‌دهد.»^۳

اشعیای نبی هم مانند سموئیل نبی نجات قوم را در بازگشت به سوی خدا می‌داند و معتقد است که این نجات درگرو توبه قوم است؛ به طوری که اگر حرکتی در جهت توبه از قوم بنی اسرائیل سر نزنند، خدا هم باب نجات را برای آن‌ها باز نمی‌کند. «ای تمام مردم جهان! به سوی من برگردید و نجات یابید! من تنها خدا هستم و خدای دیگری نیست»^۴. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «و خداوند می‌گوید که نجات‌دهنده‌ای برای صهیون و برای آنانی که در یعقوب از معصیت بازگشت نمایند؛ خواهد آمد»^۵.

ظهور منجی از منظر بعضی از علمای یهودی به قدری با بحث توبه درهم تنیده است که آن‌ها

۱. خروج ۶: ۵-۸.

۲. آخرین قاضی (داور) عبرانیان بود. (رک: مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۸۷۶).

۳. اول سموئیل ۷: ۳.

۴. اشعیا ۴۵: ۲۲.

۵. اشعیا ۵۹: ۲۰.

ادعا کرده‌اند نجات یهودیان به دلیل عدم توبه به تأخیر افتاده و اگر یهودیان به سخنان این علما گوش دهند و توبه کنند، مسیحا بن داوود به زودی ظهور می‌کند.^۱

آنچه مسلم است، این که تنها توبه واقعی و از روی اخلاص می‌تواند مقدمات نجات را فراهم کند؛ زیرا نجات رخ نمی‌دهد، مگر این که قوم از گناهان پاک شوند و به گفته کتاب مقدس، توبه می‌تواند گنه‌کار را به حالتی نزدیک به بی‌گناهی بازگرداند.^۲ از همین رو است که داوود در دعاهایش از خدا طاهر شدن از گناهان و نجاتش را می‌خواهد و در پایان می‌گوید: این درخواست بنده‌ای بادل شکسته است:

«خدایا! به خاطر محبت پایدار خود بر من رحم کن و از روی کرم بی‌پایانت گناهان مرا ببخش! مرا از گناهانم شست‌وشو ده و از خطاهایم پاک ساز. من به گناهان خود اعتراف می‌کنم و خطاهایی را که کرده‌ام، در نظر دارم. من علیه تو ای خداوند! بلی، تنها علیه تو گناه کرده‌ام و آنچه را در نظر تو بد است، انجام داده‌ام. اینک تو حق داری که مرا داوری کنی. گناه مرا از من دور کن تا پاک شوم؛ مرا بشوی تا از برف سفیدتر گردم! بگذار تا صدای خوشی و لذت را بشنوم. با وجودی که مرا کوبیده و خُرد کرده‌ای، بار دیگر شاد خواهم بود. از گناهانم چشم‌پوش و خطاهایم را ببخش! خدایا! دل پاک در من بیافرین و باطنم را با روح راستی تازه گردان! مرا از حضور خود مران و روح پاکت را از من مگیر! شادی نجات را به من بازگردان و شوق اطاعت از اوامرت را در من ایجاد نما! آن‌گاه احکام تو را به خطاکارانم خواهیم آموخت و آنان به سوی تو بازخواهند گشت. خدایا! قربانی من، دل شکسته من است؛ تو دل شکسته و روح توبه‌کار را خوار نخواهی شمرد. خداوند! بر صهیون لطف کن و دیوارهای اورشلیم را دوباره بنا نما!»^۳

با توجه به کلمات تورات، عنصر اساسی برای نجات، تضرع و زاری (توبه) در درگاه خداست. از این رو، خیلی از اندیشمندان یهودی در جواب کسانی که از زمان ظهور ماشیح سؤال می‌کردند، می‌گفتند: زمان ظهور ماشیح از قبل معین نشده است، بلکه بنا به نوع رفتار و کردار مردم تغییر

۱. آژیر، گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۲. ماسون، قرآن و کتاب مقدس (درون‌مایه‌های مشترک)، ج ۲، ص ۸۵۷.

۳. مزامیر ۵۱: ۱-۱۹.

خواهد کرد. آن‌ها از این کلام که «من، خداوند در وقت خودش آن را تسریع خواهم کرد.»^۱ این‌گونه استنباط می‌کردند که اگر ملت اسرائیل استحقاق آن را داشته باشد، نجات ایشان تسریع می‌شود و اگر استحقاق نداشته باشد، در وقت خودش نجات خواهند یافت.^۲

نقش توبه در ظهور ماشیح آن قدر مهم است که مکرر در تلمود نسبت به آن سفارش شده است: «توبه، کاری عظیم است؛ زیرا نجات را نزدیک می‌کند.» در جای دیگر هشدار می‌دهد: «زمان‌هایی که برای پایان ذلت معین شده بود، سپری گشت و ماشیح هنوز نیامده است و ظهور او فقط بسته به توبه مردم و اعمال نیکی است که انجام دهند.» یا در جای دیگر توصیه می‌کند: «اگر ملت اسرائیل فقط یک روز توبه کنند، بلافاصله ماشیح، فرزند داوود خواهد آمد. اگر ملت اسرائیل فقط یک شبانه‌روز شنبه را به طور صحیح و کامل نگه دارند، بی‌درنگ فرزند داوود خواهد آمد»^۳.

نتیجه

با سیری در کتاب مقدس و متون یهود معلوم می‌شود که گناه و دوری از خدا (بیهوه) عواقب بسیاری بر قوم بنی‌اسرائیل و یهود رقم زده است؛ زیرا موجب اخراجشان از سرزمین مقدس، نابودی آن سرزمین، مسلط شدن دشمنان بر آن‌ها و سرزمین آبا و اجدادی آنان و آوارگی‌شان در کل جهان شده است. از این رو انبیای بنی‌اسرائیل یکی از مقدمات نجات قوم و بازگشتشان به سرزمین مقدس را توبه و بازگشت به سوی خدا می‌دانستند و همواره قوم را به توبه دعوت و توصیه می‌کردند. در صورتی که آن‌ها توبه واقعی کنند و از ارتکاب گناه، مخصوصاً پرستش خدایان غیر است بردارند؛ خداوند آن‌ها را نجات می‌دهد و منجی‌بی برای آن‌ها می‌فرستد تا در زیر بیرق او وارد سرزمین مقدس شده و آن‌جا را به بهترین وجه آباد سازند. بنابراین، همان‌گونه که ارتکاب گناه آن‌ها را به ورطه هلاکت کشاند، توبه می‌تواند آن‌ها را نجات دهد و یا بر اساس

۱. اشعیا ۶۰: ۲۲.

۲. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۷ و رسول‌زاده، آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت، ص ۷۷.

۳. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۳۵۷.

قول ربی‌ها که نجات را حتمی می‌دانند، نجات آن‌ها را تسریع کند. و این نجات و یا تسریع آن که به ظهور منجی منجر می‌شود، باید به دست بنی اسرائیل رقم بخورد، یعنی تا اراده نکنند که برگردند، بیهوده نیز نجات آن‌ها یا تسریع در این نجات را اراده نمی‌کند.



منابع

۱. آذیر، اسدالله، منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، انتشارات دانشگاه ادیان، چاپ اول، قم، ۱۳۹۲ ش.
۲. آذیر، اسدالله، «گونه شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت»، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹ ش.
۳. آنترمن، آلن، باورها و آیین‌های یهودی، مترجم: رضا فرزین، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۵ ش.
۴. بطرس عبدالملک و همکاران، قاموس الكتاب المقدس، انتشارات دارالثقافه، چاپ دهم، قاهره، ۱۹۹۵ م.
۵. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۶. جان بایرناس، تاریخ جامع ادیان، مترجم: علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نوزدهم، تهران، ۱۳۸۸ ش.
۷. حبیب سعید، المدخل الى كتاب المقدس، دارالتألیف والنشر للكنیسه الاسقفيه بالقاهرة، القاهرة، بی تا.
۸. حمیدی، سید جعفر، تاریخ اورشلیم (بیت المقدس)، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱ ش.
۹. دنیز ماسون، قرآن و کتاب مقدس (درون مایه‌های مشترک)، مترجم: فاطمه سادات تهامی، انتشارات دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. رسول‌زاده عباس، آخرالزمان و حیات اخروی در یهودیت و مسیحیت، فصل نامه علمی - تخصصی معرفت ادیان، شماره ۲، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، انتشارات آیت عشق، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. طاهری آکردی، محمدحسین، ماسیح و دولت ماسیحی‌حانی موعود در یهودیت، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود، شماره ۴۱، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. _____، یهودیت، انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، قم، ۱۳۹۰ ش.
۱۴. کتاب مقدس (ترجمه تفسیری).
۱۵. کتاب مقدس، انتشارات ایلام، بی تا.
۱۶. کهن، گنجینه‌ای از تلمود، مترجم: امیر فریدون گرگانی، انتشارات زیبا، بی جا، ۱۳۵۰ ش.
۱۷. گرینستون، جولوس، انتظار مسیحا در آیین یهود، مترجم: توفیقی، حسین، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۸. مسترهاکس، قاموس کتاب مقدس، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۷ ش.

۱۹. موحیدیان عطار، علی و همکاران، *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹ ش.
۲۰. هینلز، جان آر، *فرهنگ ادیان جهان*، مترجم: گروه مترجمان، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، قم، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. هوشنگی، لیلا و همکاران، *درباره یهود (بنی اسرائیل، تورات و تلمود)*، نشر کتاب مرجع، تهران، ۱۳۸۶ ش.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پژوهشگاه موعود

سال اول / شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۹۸